

نگاه

خطر تکرار اشتباه ارزی دولت دهم



● انتقاد متولیان بخش اقتصاد دولت یازدهم به دولت‌های گذشته در پایین نگه‌داشتن نرخ ارز، پایان دادن این جفا در حق تولیدکنندگان و صادرکنندگان داخلی را در دولت جدید نوید می‌داد. اما اولین اظهارنظر رییس کل بانکمرکزی در این چارچوب با هجمه منتقدان مواجه شد و به‌نظر می‌رسد همچنان دولت یازدهم و آقای دکتر سیف، تحت‌فشار گروهی از اقتصاددانان و نمایندگان مجلس قرار دارند. برنامه چهارم و پنجم، قرار بود نرخ ارز هرساله معادل تورم داخلی منهای تورم خارجی تعدیل شود. در ۱۰ سال گذشته این کار انجام نشد و به تولید ملی لطمه شدیدی وارد شد و اکثر تولیدکنندگان ما یا از بین رفتند یا تا ۲۰ تا ۳۰درصد ظرفیتشان کار کردند. این امر، تمام تلاش مردم و دولت در دو دهه اول انقلاب برای انتقال تکنولوژی و جایگزینی واردات و به‌تدریج تولید مبتنی بر تکنولوژی را عملا هدر داد. در دهه سوم به‌جای اینکه صادرات غیرنفتی شکل بگیرد و مثل کشورهایی که عمدا نرخ ارزشان را غیرواقعی تقویت می‌کنند تا به تولیدکنندگان خوششان در صادرات، رانت و یارانه دهند (مثل کشورهای چین و هند) بالعکس ما نرخ ارزمان را پایین نگه داشتیم و دولتمان عملا به تولیدکنندگان خارجی رانت و یارانه داد تا جلو صادرات غیرنفتی‌مان گرفته شده و کشورمان بهشت بنگاه‌های خارجی شود به‌جای ایجاد اشتغال و بالارادن بهروری ملی در جهت اهداف برنامه ۳۰ساله و کنترل تورم، با واردات حدود ۹۰میلیارددلاری و رشدودغذغفتنقدینگی و تورم، بنیه تولیدکنندگان داخلی را آتفردضعیف کردند که آنها نتنها نتوانستند صادرات داشته باشند بلکه بازار داخلی را هم به تولیدکنندگان خارجی واگذار کردند.

بایرنامه‌ری‌زی‌غیرکارشناسی اقتصادی، کشورمان دچار بیماری هلندی ابرائی شد. تورم کنترل نشد؛ نقدینگی کنترل نشد و به بهانه ایجاد عدالت اجتماعی و با پرداخت یارانه مستقیم، ۱۵میلیون نفر را تبدیل به حقوق‌بگیران دولت کردند و ضربه‌ای به اقتصاد کشورمان زده شد که باید سال‌ها تلاش کرد تا ضرر و زیان ناشی از این سیاست غلط را دولت‌های آینده بتوانند جبران کنند. فشار این گروه تصمیم‌گیران در مجلس و حتی بر دولت فعلی، آتفرد زیاد است که این دولت هم برخلاف برنامه پنجم که باید از راه معادل تورم داخلی منهای تورم خارجی رشد دهد فقط نرخ دلار مبادلاتی را چهار درصد افزایش داده است در حالی که باید حداقل حدود ۳۰درصد آن را افزایش می‌داد که به تولید داخلی لطمه نخورد. چرا دولت یازدهم مثل دو دولت قبل باید خودش را در آمدن نرخ تعدیل ارز محروم کند، هزاران میلیاردتومان به بخش‌های خصوصی و عمومی بدهکار باشد؟ چرا باید اشتباهات ۱۰ساله را دوباره تکرار کنیم چه کسی و چه کسانی باید جلو لطمه‌های شوم کاهش نرخ ارز و حمله به رییس بانکمرکزی را بگیرند؟ نرخ واقعی ارز را همه می‌دانند که بالای سه‌هزار تومان است. تمام اقتصاددانان می‌توانند این نرخ را محاسبه کنند. فقط اختلاف‌های کوچکی روی اثرات تحریم، تورم و هزینه انتقال و جابه‌جایی ارز و گران‌شدن نرخ بیمه و حمل‌ونقل وجود دارد که هر طور محاسبه شود باز هم نرخ ارز با محاسبه دقیق تورم داخلی منهای تورم خارجی، هم‌کنون حدود سه‌هزار تومان و اندکی بالاتر است. البته فرض شده که مذاکرات با ۵+۱ موفقیت‌آمیز خواهد بود در این صورت حدود ۳۰درصد هزینه‌های ناشی از تحریم از تورم داخلی منهای تورم خارجی کسر می‌شود و به‌جای اینکه نرخ ارز روز معادل حدود چهار هزار و ۲۰۰تومان باشد با کسر ۳۰درصد حدود سه‌هزار تومان است. ممکن است در این بخش تفاوت دیدگاه وجود داشته باشد؛ دولت دهم در سال ۹۱ نرخ ارز مبادلاتی را حدود دوهزار و ۴۰۰تومان تعیین کرد. در سال ۹۱ آن را ثابت نگه داشت درحالی‌که باید آن را حداقل معادل ۱۵درصد افزایش می‌داد و در سال ۹۲ هم حداقل حدود ۲۸درصد باید افزایش پیدا می‌کرد و برای سال ۹۳ هم دولت یازدهم باید معادل تورم داخلی منهای تورم خارجی، نرخ ارز افزایش می‌داد که متأسفانه این کار انجام نشده است. این عمل دولت، امنیت سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد و تا سرمایه‌گذاری نشود و تولید رونق بگیرد مشکل تورم حل نمی‌شود و همچنین مشکل اشتغال هم حل نمی‌شود و توجه داشتیم باشیم اگر نرخ ارز، واقعی نشود اجرای فاز دوم هدفمندی هم عملی نخواهد بود و اگر بسودن واقعی کردن نرخ ارز، دولت فزاد دوم هدفمندی را انجام دهد، همان خطای دولت دهم را تکرار کرده است چراکه ما تولید نخواهیم داشت که بتوانیم با تولیدات خارجی رقابت کنیم و آن را در ایران یا خارج از ایران بفروش برسانیم. تولیدکنندگان ما باید شوک ناشی از هدفمندی را تحمل کنند بدون اینکه بتوانند کالای قابل‌رقابت با تولیدکنندگان خارجی عرضه کنند. ارزش بول ملی به تولید ملی و بهروری است، نه به چند صفر زیادکردن یا کاهش دادن نرخ ارز و حتما باید طبق برنامه پنجم، نرخ ارز، معادل تورم داخلی منهای تورم خارجی تعدیل شد. مجلس، دولت، مجلس تشخیص مصلحت و تمام ارکان نظام باید به این نکته کلیدی توجه کنند و حداقل باید قانون مصوب همین مجلس توسط تصویب‌کنندگان آن رعایت شود. لازم به توضیح است که اگر نرخ ارز واقعی باشد، درآمد دولت و بنگاه‌ها، واقعی‌تر خواهد بود و دولت بخشی‌بوده‌گرمتری خواهد داشت. همچنین دولت به بخش‌های عمومی و خصوصی بدهکار نمی‌شود و حجم فعالیت بنگاه‌های تولیدی و خدماتی بیشتر خواهد شد. اگر درآمد آنها بالا برود می‌توانند حقوق بالاتری به کارکنان خود پرداخت کنند درآمد سرانه و حداقل حقوق‌ها می‌تواند بالاتر برود و رفاه بیشتر و عدالت اجتماعی هم محقق خواهد شد.

اقتصاد



بخش نخست مساله ارزیابی لایحه بودجه در هر سه‌سطح تحلیل اقتصادی موضوعیت دارد یعنی موقعی است که ما بودجه را از زاویه مطالعات سطح خرد مورد بررسی قرار می‌دهیم. در آنجا دولت به‌عنوان یک ابرسازمان یا ابربنگاه در نظر گرفته می‌شود و با قاعده‌هایی که در چارچوب تحلیل‌های سطح خرد وجود دارد رفتارهای این ابربنگاه را از منظر کارایی و بهینگی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم و بر اساس آن داوری و پیش‌بینی می‌کنیم. وقتی به بودجه از منظر سیاست‌های سطح کلان نگاه می‌کنیم در آنجا این مساله را بررسی می‌کنیم که این سند که مهم‌ترین ابزار دولت برای اعمال سیاست‌های اقتصاد کلان است تا چه میزان قابلیت دارد که اهداف کلان اقتصاد ملی را برآورده کند؟

ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۹۳

ملی را ضعیف کرده و جایگاه نظام ملی را در کل جهان مرتباً تنزل می‌بخشد. فقط برای اینکه تصویری داشته باشید یکی، دو نمونه مطرح می‌کنم. ما الان با پدیدهای روبه‌رو هستیم که عنوان بحران ملی بهروری را برایش انتخاب کرده‌ام که می‌گویند در فاصله ۱۳۵۵ تا سال‌های میانی دهه ۱۳۸۰ سهم دانش‌موختگان دانشگاهی در ساختار اشتغال کشور ۵۰۰درصد رشد کرده یعنی ظرفیت‌های انسانی که ما بالفعل به کار می‌گیریم افزایش پیدا کرده نسبت به دوره پهلوی. در همین مدت موجودی سرمایه‌فیزیکی کشور بیش از سه‌برابر شده اما بهروری در ایران با مقیاس TFP سقوط چشمگیری کرده است. مثال دیگر این است که اکثر اسلام‌شناسان بزرگ ما می‌گویند بزرگ‌ترین ویژگی انسان‌های مومن در برابر انسان‌های غیرمومن آفق دید وسیع‌تر آنهاست اهل ایمان باید دورنگر باشند. اما این ساختار نهادی و اقتصاد رانتی ما را در چنگال کوته‌نگری اسیر کرده. الان که توان رقابت یک مساله امنیت ملی شده برآوردهای مربوط به گزارش‌های رسمی کشوری در زمینه سرشماری جمعیت نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ قدرت کارفرمایی ما یک سقوط وحشتناک کرده به‌طوری‌که در سال ۱۳۳۵ ما کارفرما به‌طور متوسط ۲۲ نفر را تحت مدیریت خود داشته. این نسبت در سال ۱۳۸۵ به چهارنفر رسیده است. دقت کنید این یکی دیگر از وجوه بحران ملی بهروری است چرا که نشان می‌دهد مقیاس تولید در ایران شدیدنا کاهش پیدا کرده و وقتی این سقوط اتفاق بیفتد تخصصی شدن امور، تقسیم کار عقلایی و صرفه‌های ناشی از مقیاس موضوعیت خود را به شکل متناسب از دست می‌دهد.

در سطح نظری می‌گوییم چه اتفاقی باید افتاده باشد که این فاجعه رخ داده؟ پاسخ این است که از منظر کارایی حقوق مالکیت و هزینه مبادله چه اتفاقی افتاده؟ کلید آنجاست. روندهای مزبور به‌وضوح نشان‌دهنده این است که امنیت حقوق مالکیت و کارایی ساختار نهادی در دفاع از حقوق کلیت نزول چشمگیری کرده و این محصول غفلت‌های کوته‌نگرانه در یک دوره زمانی طولانی است. از این قبیل موارد حدود ۱۰ روند شدیدانگران‌کننده در زمینه واگرایی‌ها را شناسایی کرد‌ام و در زمانی مناسب درباره آنها سخن خواهیم گفت.

مضمون همه این حرف‌ها این است که وقتی دورنگری را کنار می‌گذاریم و به اکنون‌زدگی و امروز را به فردا رساندن و روزمرگی خو می‌گیریم در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت هزینه‌های بسیار سنگینی به نظام ملی تحمیل می‌کنیم. در یک اقتصاد رانتی مناسب‌ترین نقطه عزیمت برای اصلاح چیست؟ پاسخ این است که تا زمانی که در یک اقتصاد رانتی نظام بودجه‌ریزی اصلاح‌ناشود امکان حرکت به سمت توسعه‌گرایی وجود نخواهد داشت. باید تلاش کنیم به همه

کسانی که در نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع به کوته‌نگری خو گرفته‌اند گوشزد کنیم که اگر برای برون‌رفت از این شرایط کمک بکنند امنیت ملی کشور را به خطر نهد و یا به‌خاطر خاوندان انداخت. از این زاویه تصور من این است که اندیشه توسعه و تحلیل‌های سطح توسعه‌مهم‌ترین نیلای فکری امروز ایران است و باید امیدوار بود حالا که هزینه‌های کوته‌نگری نظام‌آور را پرداخت کرده‌ام تا در آینده بتوانم امیدوار بود که هزینه‌های کوته‌نگری را هم بپردازیم.

اقتصاددانان نهادگرای توسعه که با رویکرد تاریخی مسائیل توسعه را دنبال می‌کنند، یکی از سؤالاتی که مطرح کرده‌اند این است که با وجود آنکه در ربع پایانی قرن ۱۸ اکثر کشورهای اروپایی از نظر بنیه تولیدی و سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی با یکدیگر هم‌تراز بودند چرا اول‌ایل انقلاب صنعتی در انگلستان رخ داد؟ چرا این کشور پیشگام شد در انقلاب صنعتی؟ در آنجا با وجود آنکه نزدیک ۱۵ عمل در مقام توضیح این پدیده مورد استفاده قرار گرفته در میان آنها متغیری که به‌عنوان ابرتعیین‌کننده مورد توجه قرار گرفته این است که دلیل این مساله این بود که انگلستان اولین کشوری بود در اروپا که آن رفتارهای بودجه‌ای دولت به‌قاعده و هنجار شد. برای یک فرد غیرمتخصص اصلا قابل درک نیست که توسعه فناوری چه ربطی به رفتارهای مالی دولت دارد؟

اما در دستگاه نظری نهادگرایی که برای حقوق مالکیت نقش تعیین‌کننده‌ای برای توسعه در نظر گرفته می‌شود پاسخ اینگونه ارائه شده که دولتی که مالکیت مال‌اش هنجار باشد اعتماد به تعرض به حقوق مالکیت مردم و بازیگران اقتصادی به حداقل می‌رسد. توضیح داده می‌شود که فراموش نکنید دولت‌ها امتیاز انحصاری اعمال خشونت بر اساس قانون را در اختیار دارند بنابراین وقتی تکثیر خزانه به تن دیگ می‌رسد به خود اجازه می‌دهند به سهولت به حقوق مالکیت تعرض شود. به نظر من یکی از درخشان‌ترین مطالعات در این زمینه

زیرساخت‌های فیزیکی اختصاص پیدا می‌کند هر قدر این نوع مداخله دولت که بسترساز توسعه و برانگیزاننده بخش خصوصی مولد است بیشتر باشد این باید گرمای داشته شود و هرچقدر سهم هزینه‌های تصدی‌گری افزایش پیدا می‌کند یعنی دولت به واسطه سهل‌انگاری‌هایی که در زمینه بهبود کیفیت حقوق مالکیت و غفلت از کاهش هزینه‌های مبادله انجام داده ریسک‌گریزی بخش خصوصی مولد را افزایش خواهد داد. در سسند بودجه ۱۳۹۳ متأسفانه ملاحظه می‌شود که بودجه عمومی کشور روندی نزولی و بودجه شرکت‌های دولتی روندی صعودی گرفته است.

در یک دولت توسعه‌گرا واکاوی ریشه‌های افزایش سهم تصدی‌های دولتی مساله بسیار حیاتی است ولی ببینید چقدر تکان‌دهنده است. دو پارادوکس کلیدی را در این زمینه مطرح می‌کنم با این امید که اهل نظر مساله را با دقت دنبال کنند تا پایان سال ۱۳۹۷ یعنی دوره دمساله‌ای که التهاب‌های فراوان سیاسی، اجتماعی و نظامی داشتیم همواره

در ۱۰ ساله بعد از پیروزی انقلاب سهم هزینه‌های حاکمیتی دولت از سهم هزینه‌های تصدی‌گری آن بیشتر بوده یعنی از زاویه این ملاک بااطمینان می‌توان گفت گرایش‌های توسعه‌ای هرگز تحت‌الشعاع تنش‌ها و تغییرات بنیادی نهادهی و جنگ ۸ساله قرار نگرفته. آنچه کاملاً جنبه پارادوکسی دارد این است که در دوره ۱۳۶۸ به بعد دایما و فزاینده سهم نسبی هزینه‌های حاکمیتی کشور رو به کاهش و سهم هزینه‌های تصدی‌گری روبه افزایش داشته به‌طوری‌که در سند لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ سهم هزینه‌های تصدی‌گری دولت تقریباً سه‌برابر هزینه‌های حاکمیتی شده یعنی نسبت سهم امور تصدی‌گری به بودجه کل معادل ۷۵درصد است. اینکه از تعبیر تلخ طنز استفاده می‌کنم برای این است که در کل دوره ۱۳۶۸ تا امروزه سهم‌های یکی از سیاست‌های محوری همه دولت‌ها محصوره‌سازی بوده و آنچه مساله را تکان‌دهنده می‌کند این است که در هر دورای که شتاب خصوصی‌سازی بیشتر شده سهم هزینه‌های تصدی‌گری دولت افزایش پیدا کرده و قاعا جای تاسف دارد که نهادهای نظارتی، نه دانشگاه‌ها و نه موسسات پژوهشی بنا به اقتضات اقتصاد رانتی هرگز به شکل باسته‌های چرایی این مساله حیاتی را مورد ارزیابی قرار نداده‌اند. از زمان روی کارآمدن آقای هاشمی‌رفسنجانی تا پایان دوره آقای خاتمی کل واگذاری‌ها را دایمی‌ای دولت حدود ۲۹۰۰میلیاردتومان است یعنی در یک دوره ۱۶ساله با ۴۰درصد در سال ۱۳۶۸ در اقتصا به‌حول‌وحوش ۶درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده. در دوره احمدی‌نژاد فقط در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ حدود ۱۳۰۰هزارمیلیاردتومان از سهم شرکت‌های دولتی واگذار شده. یعنی در یک دوره شش‌ساله تقریباً ۴۰ برابر دوره ۱۶ساله قبل واگذاری داشتیم. شاخص کل مداخله دولت در دولت احمدی‌نژاد: ۸۰درصد هم عبور کرد و سهم هزینه‌های تصدی‌گری دولت در بودجه کل از ۷۰درصد هم عبور کرد.

نکته مهم دیگر که از منظر ملاحظات سطح توسعه اهمیت دارد سطح قاعده‌مندی فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع است. مبنای سنجش این موضوع هم بررسی این مساله است که سهم تخصیص‌هایی که صورت و ظاهر قانونی و برنامه‌ای دارد اما عملاً متکی به صلاحدیدهای شخصی است به چه میزانی بوده و چه روندی را طی می‌کند. این سهم هم از مهم‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی سند لایحه بودجه است. برای روشن‌شدن موضوع ابتدا شمارا در معرض یک بحث کوتاه نظری در این زمینه قرار می‌دهم. پیشرفته‌ترین و عمیق‌ترین نظریه‌های توسعه و جدیدترین آنها کل ماجرای توسعه و توسعه‌یافتگی را با متر قاعده‌محوری در برابر شخص‌محوری و مبتنی بر سالیق شخصی‌بودن امور اندازه‌گیری می‌کنند و به این باورند که از این زاویه درهم‌تنیدگی اقتصاد و سیاست را می‌توان بهتر ملاحظه کرد. بحث‌هایی در این زمینه صورت می‌گیرد، مثلاً می‌گویند آنچه به‌عنوان نقطه عطف تاریخ بشر محسوب می‌شود و ما اسم انقلاب بهروری را روی آن گذاشته‌ایم آن است که محوری انقلاب بهروری چه بود؟ پاسخ آن است که خود در یک تبلور مناسبات تولیدی‌را از شخص‌محوری نجات داد. اشخاص جای خود را به رویه‌ها و قاعده‌های غیرشخصی دادند و دیگر سلیقه‌ها و منافع شخصی جایگاه نداشت. علم محور شد و علم محوری نیروی محرکه انقلاب بهروری شد. مثال بعدی، انتشار کتب نظریه عدالت رالز در سال ۱۹۷۱ نظام عدلنی در تاریخ اندیشه بشری محسوب می‌شود سوال می‌کنند چرا اینگونه داوری می‌شود؟ پاسخ این است که رالز برای اولین بار چارچوبی از عدالت ارائه کرد که غیرمبتنی بر تفسیرهای شخصی بود اقتصاد سیاسی ایران که بیش از صد سال است پارلمان دارد و تلاش شده که از مناسبات شخص‌محور فاصله بگیریم. با این حال باید بررسی شود که این روند چه اثر عملی در بودجه‌ریزی ما داشته است؟ در نظام مالی بودجه‌ریزی ایران به‌طور متوسط طی سه دهه گذشته بین ۲۰ تا ۳۰درصد کل اعتبارات بودجه به ردیف‌های متفرقه اختصاص دارد، یعنی ردیف‌هایی که در آنها برنامه و دستگاه مشخصی وجود ندارد و به صلاحدید شخصی است که نحوه تخصیص منابع ملی تشخیص داده می‌شود.

نکته بعدی اینکه در همین دوره زمانی سهم درآمدهای اختصاصی دستگاه‌ها در بودجه بین هفت تا ۱۹/۵درصد در نوسان بوده و مهم‌ترین مشخصه درآمدهای اختصاصی این است که چندان نظارت‌پذیر و برنامه‌پذیر نیست و عمدتاً می‌تواند بر اساس صلاحدیدهای شخصی تخصیص پیدا کند. مورد دیگر اینکه بر اساس مفاد قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، حدود ۳۰درصد از کل اعتبارات بودجه عمومی قابل‌جابه‌جایی دارد یعنی اینکه می‌تواند تحت‌تأثیر صلاحدیدهای شخصی قرار داشته باشد. یعنی یک صورت و بزکی به نام بودجه برنامه‌ای داریم اما به قاعده‌ای که ملاحظه فرمودید بین ۵۷ تا ۷۵درصد کل بودجه عمومی کشور می‌تواند غیربرنامه‌ای و بر اساس صلاحدیدهای شخصی تخصیص پیدا کند.

ادامه دارد

خبر

وزیر صنعت، معدن و تجارت:

«پژو» باید تاوان گذشته را بدهد

● **فارس:** وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: حجم تجارت ایران و فرانسه که به ۲۵۰میلیون یورو رسیده، با رفع تحریم به پنج‌میلیارد یورو می‌رسد. محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: شرکت پژو و خوروسازان فرانسوی تاوان گذشته را باید بدهند، چراکه ما حاضر نیستیم به‌راحتی چراغ‌سبز نشان دهیم، باید گذشته را جبران کنند.

قیمت مسکن تا پایان سال ۱۰درصد دیگر کاهش می‌یابد

● **تسنیم:** معاون وزیر امورشهرسازی از پیگیری افزایش تسهیلات مسکن مهر توسط آخوندی خبر داد و گفت: با توجه به عرضه بیش از تقاضای مسکن در بازار پیش‌بینی می‌کنیم قیمت‌ها تا پایان سال ۱۰درصد دیگر کاهش یابد. ابوالفضل صومعلو افزود: تا پایان سال بازار مسکن کاملاً در ثبات به سر خواهد برد و روند کاهش قیمت‌ها همچنان ادامه دارد، به‌طوری‌که ماهانه پنج‌درصد و در مجموع تا پایان سال ۱۰درصد دیگر از قیمت مسکن کاسته خواهد شد.

اشتغال‌زایی طرح ترافیک برای موتورسواران

● **فارس:** طرح ترافیک اخیراً عاملی برای اشتغال‌زایی کاذب برای موتورسواران شده است. نصب دوربین در مکان‌های ورود به طرح ترافیک باعث شده تا در برخی خیابان‌ها مشاهده شود که تعدادی موتورسوار با ایستادن در ورودی طرح ترافیک، پشت سر خودروهای فاقد طرح حرکت و با این کار پلاک عقب خودرو را پوشش می‌دهند تا امکان ثبت پلاک توسط دوربین‌های راهنمایی و رانندگی وجود نداشته باشد. این موتورسواران بابت پوشش‌دادن پلاک خودروها تا فاصله ۲۰ تا ۳۰متری دوربین، مبالغ متفاوتی را دریافت می‌کنند که معمولاً این رقم حدود دوهزار تومان است.

خبر ویژه

مشق فروش کالا نباید از سوی مشتریان خط بخورد



● گروه فروش و خدمات پس از فروش در یک سازمان، مشقی را می‌پسوند که باید شرایطی فراهم شود تا از سوی مشتری خط نخورد. به گزارش «مهر»، تقی هاشمی‌نیا در همایش خدمات پس از فروش تهرینی‌ها گفت: «ارائه‌دهندگان خدمات پس از فروش همواره شرکای فروش شرکت‌ها به حساب می‌آیند و بنابراین از اهمیت بالایی برخوردارند». رییس هیأت‌مدیره شرکت تهرینی‌ها افزود: «امروز نگهداری که صنعت به‌عمراتب سخت‌تر از راه‌اندازی آن است، چراکه نیاز به جذب سرمایه و اطمینان مشتری دارد؛ بنابراین هیچ‌گاه نباید جایگاه یک سازمان در بازار را فراموش کرد». وی تصریح کرد: «همواره همکاران فروش در یک سازمان، مشقی را می‌پسوند که ممکن است دو سر‌نوشست داشته باشد، یا اینکه خط می‌خورد یا اینکه به مقصد می‌رسد و سازنده می‌شود، اما باید همواره تلاش کنیم مشقی که از سوی فروش و خدمات پس از فروش ارائه می‌شود، از سوی مشتری خط نخورد؛ هاشمی‌نیا ادامه داد: «در چند سال گذشته مشکل دلار به‌شدت ما را تحت‌تأثیر قرار داده است اما اجازه داده نشده که این موضوع به واحدهای خدمات پس از فروش تسری یابد»؛ وی افزود: «امروز ما طلیعه‌داران صنعت تهریه متبوع در ایران هستیم و اگرچه شرکت‌های بزرگ‌تری نیز وجود دارند، اما ما به توجه به داشتن هفت برند مطرح جهانی هستیم؛ خدمات سبک و ۷۰ مرکز خدمات سنگین، ما طلیعه‌دار به شمار می‌آییم. اما آنچه امروز حاصل شده است، نباید در حد شعار باشد، بلکه تلاوam این طلیعه‌داری نیاز به تلاش و فعالیت دارد». همچنین در این همایش، بابایی، معاون فنی خدمات پس از فروش تهرینی‌ها نیز گفت: ما در حال حاضر نمایندگی هفت برند مطرح جهانی اجنرال، گری، هیتاچی، یازاکی، کوکن، ویزمن و یونیفلر را داریم که برای آنها شبکه خدمات پس از فروش گسترده‌ای شکل گرفته است و شعار «با هفت ستاره جهانی هوای شما را داریم» را دنبال می‌کند».

بریده‌اخبار

با تصویب هیات دولت و ابلاغ معاون اول رییس‌جمهور، واردات ۴۰ قلم کالای اولویت ۱۰ که عمدتاً کالای مصرفی است، آزاد شد. / فارس
نمایندگان مجلس در بررسی قانون بودجه تسهیلات بخش کشاورزی را در ۹۳ رأی برای چهارسال استعمال کردند. / فارس
با توجه به اینکه بیش از ۳۴درصد از معاملات اجاره‌نشینی ۱۵ماهه امسال در استان تهران صورت گرفته بازهم تهرانی‌ها با میزبانی یک‌سوم از مستاجران کشور صدرنشین اجاره‌نشینی شدند. / ایسنا